



باز تدفین ایمرِ ناگے

ویکتور اوربان



بازتدفین ایمرِ ناگے

ویکتور اوربان



توانا
TAVANA

آموزشکده آنلایین
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

for civic education



توانا
TAVAANA

آموزش‌شکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education

<http://www.eciviced.org>

باز تدفین ایمر ناگی

The Reburial Of Imre Nagy

نویسنده: ویکتور اوربان (Viktor Orbán)

مترجم: آموزش‌شکده توانا (آموزش‌شکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

عکس روی جلد: Imre Nagy Chairman of the Council of Ministers of the People's Republic of Hungary by Jánosi Katalin Adományozó

© E-Collaborative for Civic Education 2018

e-collaborative for civic education

ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند.

ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که مبشر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکررگویی و جوامعی شایسته سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارایه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارایه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارایه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارایه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای حذف شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

M. Memar Sadeghi

اکبر عطری

Akbar Attari

مقدمه

مجارستان تاریخ طولانی و پرفراز و نشیبی مملو از سرکوب و طغیان دارد. این کشور - که قرن‌ها دستخوش اشغال نیروهای خارجی بود - در پایان جنگ اول جهانی بخشی از قلمرو خود را از دست داد و در خلال جنگ دوم جهانی به امید بازپس گرفتن اراضی از دست‌رفته با آلمان نازی متحد شد و علیه شوروی جنگید. در پایان آن جنگ، ارتش شوروی این کشور را اشغال کرد و در سال ۱۹۴۹ یک حکومت طرفدار و دست‌نشانده شوروی در آن کشور شکل گرفت.

در سال ۱۹۵۶ مردم مجارستان در یک حرکت انقلابی علیه شوروی به پا خاستند، ولی شوروی با نیروی ارتش سرخ و تانک به مقابله با این انقلاب برخاست و مردم را سرکوب کرد. ایمر ناگی^۱، نخست‌وزیر ضد شوروی از سال ۱۹۵۳، در سال ۱۹۵۵ وادار به کناره‌گیری شد و به دنبال شکست انقلاب به جوخه اعدام سپرده شد. پیکر ناگی

۱- Imre Nagy (۱۸۹۶ - ۱۹۵۸) سیاستمدار مجار و کمونیست مستقل از شوروی بود. ناگی در سال ۱۹۵۶ به دنبال سخنرانی نیکیتا خروشچف در انتقاد از استالین و سیاست‌های اقتدارگرایانه او مردم مجارستان را تشویق کرد علیه نفوذ و مداخلات شوروی و استالینسم حاکم بر این کشور قیام کنند. ایمر ناگی در آن زمان نخست‌وزیر مجارستان بود و برای بازپس‌گیری استقلال مجارستان تلاش کرد ولی انقلاب مردم با اشغال مجارستان به دست ارتش سرخ و سرکوب انقلابیون شکست خورد و او به جرم خیانت اعدام شد. در سال ۱۹۸۹ به دنبال سرنگونی حزب کمونیست در مجارستان، دادگاه عالی این کشور از ناگی اعاده حیثیت کرد و در تاریخ ۱۶ ژوئیه همان سال، ۳۱ سال پس از اعدامش، بقایای پیکر او و هم‌زمانش طی مراسم باشکوهی - که هزاران نفر از مردم مجارستان در آن حضور داشتند - با ادای احترام و تشریفات رسمی دوباره به خاک سپرده شد.

همراه با صدها مبارز دیگر، که آن‌ها هم در انقلاب شرکت کرده و اعدام شده بودند، در یک گور دسته‌جمعی بدون نام و نشان به خاک سپرده شد.

رهبران کمونیست مجارستان سال‌ها انقلاب ۱۹۵۶ را یک حرکت ضد انقلابی و عاملان آن را خس و خاشاک و خائن خواندند، اما وقتی نسیم آزادیخواهی‌ای که در دهه هشتاد میلادی (سال‌های ۱۹۸۰ - ۱۹۹۰) در اروپا آغاز شده بود، به مجارستان رسید تغییر موضع دادند و آغاز به گفتن حقایق درباره انقلاب ۱۹۵۶ کردند. مقامات رسمی مجار بالاخره در اوایل سال ۱۹۸۹ اعتراف کردند که انقلاب ۱۹۵۶ حقیقتاً یک جنبش مردمی برای دفع نظام استالینیستی حاکم و تلاش برای استقرار دموکراسی و آزادی در کشور بود.

در ۱۶ ژوئن ۱۹۸۹ بقایای پیکر ایمر ناگی و سایر رهبران انقلاب ۱۹۵۶ با تشریفاتی باشکوه بازتدفین شد. بیش از ۳۰۰ هزار نفر از مردم مجارستان در این مراسم، که در بوداپست (پایتخت) برگزار شد، شرکت کردند. روی پنج تابوت، که پیکر قربانیان در آن‌ها بود، نام قربانیان نوشته شده بود و تابوت ششم سمبل قربانیان شناخته‌شده و گمنام تلقی می‌شد و روی آن نامی نوشته نشده بود. برخی از قربانیان، که تا سال ۱۹۶۰ اعدام نشده بودند، هنگام اعدام فقط ۱۸ سال داشتند؛ به عبارت دیگر دولت وقت آن‌ها را سال‌ها در زندان نگه داشته بود تا به سن قانونی برسند و بتواند مجازات اعدام‌شان را اجرا کند.

رهبران مجارستان برای ادای احترام به ناگی و هم‌زمانش در این مراسم بازتدفین حضور یافتند؛ از مقامات دولتی تا رهبران پارلمانی، از بلندپایگان همه کلیساهای مجارستان تا نمایندگان نهادها و سازمان‌های سراسر کشور همگی در این مراسم شرکت کردند. از میان همه سخنوران تنها کسی که خطابه‌اش با ابراز احساسات شدید و دست‌زدن‌های مکرر مردم قطع شد ویکتور اوربان^۲ - نماینده فیدز^۳، فدراسیون جوانان دموکرات (یک جنبش فعال دانشجویی)، - بود. اوربان در آن زمان ۲۶ سال داشت و جوان‌ترین سخنران آن مراسم بود.

۲- Viktor Mihály Orbán (متولد ۱۹۶۳) دولتمرد اهل مجارستان است. او که اولین بار در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ نخست‌وزیر مجارستان بود، در سال ۲۰۱۸ برای سومین دوره پیاپی (از سال ۲۰۱۰) بر این مسند تکیه زد. اوربان همچنین از سال ۲۰۰۳ تا کنون [۲۰۱۸] رهبر حزب محافظه‌کار فیدز (Fidesz) است.

۳- FIDESZ Party ائتلاف مدنی مجارستان، یک حزب سیاسی محافظه‌کار از جناح راست است.

سخنرانی ویکتور اوربان در مراسم بازتدفین ایمر ناگی

هم‌میهنان!

چهل سال از آغاز دیکتاتوری کمونیست و اشغال مجارستان به دست شوروی می‌گذرد. در این مدت مجارستان فقط یک بار فرصت، قدرت و شهامت آن را داشته است تا به آرزوهایی که مبارزان آن در سال ۱۸۴۸^۴ در سر داشتند، یعنی استقلال ملی و آزادی سیاسی، دست یابد. اهداف ما تغییر نکرده‌اند. ما هرگز از اهداف ۱۸۴۸ انصراف نخواهیم داد، همان‌طور که نمی‌توانیم از اهداف انقلاب ۱۹۵۶ چشم‌پوشی کنیم.

جوانان مجارستان که اکنون برای دموکراسی مبارزه می‌کنند، امروز در مقابل ایمر ناگی، رهبر کمونیست پیشین، و هم‌زمان او سر تعظیم فرود می‌آورند. به دو دلیل: ما از این دولتمردان قدردانی می‌کنیم چون آرمان‌های مردم مجارستان را اهداف خود قرار دادند و چون از اصول تخطی‌ناپذیر کمونیسم، یعنی اطاعت کورکورانه از امپراتوری شوروی و دیکتاتوری نظام تک‌حزبی آن کشور، بریدند و به آن پشت کردند.

در سال ۱۹۵۶ حزب سوسیالیست کارگران مجارستان^۵ آینده کشور ما را قبضه کرد. به همین دلیل در آن تابوت ششم، در کنار جوانانی که قتل عام شدند، آینده ما نسل جوان نیز برای سال‌ها به گور سپرده شد.

۴- در سال ۱۸۴۸ در مجارستان، انقلابی تحت تاثیر جنبش‌های ناسیونالیستی در سراسر اروپا رخ داد که هدف رهبران آن استقرار حاکمیت ملی مجارستان بود، اما به دلیل تعدد اقوامی که در این قلمرو می‌زیستند (این اقوام مشتمل بر مجارها، کروات‌ها، چک‌ها، اسلواک‌ها و اسلونی‌ها بودند) و به این دلیل که هر کدام به یک قدرت خارجی تمایل داشتند، انقلاب با مداخله اتریش و روسیه سرکوب شد.

5- The Hungarian Socialist Workers' Party (MSZMP).

دوستان!

ما جوانان خیلی از چیزهایی را که برای پدران ما و نسل‌های قبل از ما واضح و مبرهن است درک نمی‌کنیم. برای ما معمایی است که همان کسانی که بی‌پروا و مشتاقانه درباره انقلاب و ایمر ناگی هر گونه تهمت‌های راروا می‌داشتند حالا یک‌باره سرسخت‌ترین هواداران سیاست‌های نخست‌وزیر پیشین شده‌اند. برای ما درک‌شدنی نیست که رهبران حزبی که تحت رهبری و حمایت آنان تاریخ در مدارس از روی کتاب‌هایی تدریس شد که انقلاب را وارونه جلوه می‌دادند و تحریف می‌کردند، اکنون برای آن‌که دست‌شان به تابوت قربانیان آن انقلاب برسد از هم سبقت می‌گیرند. تو گویی دست‌زدن به این تابوت‌ها تبرک و موجد شگون است. ما نیازی نمی‌بینیم از آن‌ها قدردانی کنیم که به ما اجازه داده‌اند قهرمانانمان را با ۳۱ سال تاخیر به خاک بسپاریم. ما حتی نیاز نداریم از آن‌ها تشکر کنیم که اجازه داده‌اند نهادها و سازمان‌های سیاسی‌مان کار خود را انجام دهند. نمی‌توان از رهبران مجارستان به دلیل خویشتن‌داری و عدم توسل به اسلحه در مقابله با مدافعان دموکراسی و انتخابات آزاد قدرشناسی کرد؛ زیرا آن‌ها آن‌طور که در توانشان بود از شیوه‌هایی که لی پنگ^۶، پل پوت^۷، یاروژلسکی^۸ و راکوسی^۹ به کار بردند حذر نکردند.

۶- Li Peng (متولد ۱۹۲۸) نخست‌وزیر جمهوری خلق چین در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۸ و رئیس کمیته دائمی کنگره خلق چین، نهاد قانون‌گذاری این کشور، از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳. لی پنگ در سرکوب خشونت‌گرایانه تظاهرات دانشجویی و حوادثی که در میدان «تیان آنمن» پکن در سال ۱۹۸۹ رخ داد نقش اساسی داشت.

۷- Pol Pot (۱۹۲۵ - ۱۹۹۸) رهبر رژیم اقتدارگرای خمرهای سرخ در کامبوج (۱۹۷۵ - ۱۹۷۹) بود که مصائب و سختی‌هایی بسیار بر مردم این کشور تحمیل کرد. حکومت تندرو کمونیست او موجب مهاجرت‌های دسته‌جمعی از شهرها، مرگ و جابه‌جایی میلیون‌ها نفر در سراسر کشور شد و کامبوج را به خشونت و فقر کشید.

۸- Wojciech Witold Jaruzelski (۱۹۲۳ - ۲۰۱۴) ژنرال ارتش و از دولتمردان سیاسی لهستان که در سال‌های ۱۹۸۱ - ۱۹۸۵ نخست‌وزیر و در سال‌های ۱۹۸۹ - ۱۹۹۰، آخرین سال‌های قبل از سقوط کمونیسم، رئیس‌جمهور این کشور بود. او برای مقابله با اتحادیه کارگری همبستگی (Solidarity) در ۱۳ دسامبر ۱۹۸۱ حکومت نظامی اعلام کرد و هم‌زمان اقدام به بازداشت شمار بسیاری از مخالفان سیاسی از جمله لیخ والسا، رهبر اتحادیه کارگری همبستگی، کرد.

۹- Mátyás Rákosi (۱۸۹۲ - ۱۹۷۱) رهبر کمونیست مجارستان از ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۶ بود. او مسئول برکناری ناگی در سال ۱۹۵۵ بود ولی یک سال بعد شوروی خود او را از رهبری حزب برکنار کرد. ماتیااس راکوسی به سبب سیاست‌های استالینی و اطاعت کورکورانه‌اش از مسکو به شدت نزد مردم مجارستان منفور بود و هنگامی که انقلاب ۱۹۵۶ رخ داد به شوروی گریخت.

شهروندان!

سی و سه سال پس از سرکوب انقلاب مجارستان و سی و یک سال پس از اعدام آخرین نخست وزیر قانونی این کشور، شاید امروز فرصتی برای ما پیش آمده باشد تا بتوانیم بدون توسل به خشونت به اهدافی برسیم که انقلابیون ۱۹۵۶، به دنبال یک نبرد خونین و فقط برای مدت کوتاهی، موفق شدند به آن‌ها برسند. اگر به خودمان، به معنویت و قدرتمان باور داشته باشیم می‌توانیم به دیکتاتوری کمونیست خاتمه دهیم. اگر به اندازه کافی مصمم باشیم می‌توانیم حزب را وادار به برگزاری انتخابات آزاد کنیم، و اگر آرمان‌های انقلاب ۱۹۵۶ را از نظر دور نکنیم آن‌وقت قادر به انتخاب دولتی خواهیم بود که بلادرنگ با شوروی وارد مذاکره شود تا ارتش این کشور از مجارستان عقب‌نشینی کند. ما می‌توانیم اراده انقلاب را تحقق ببخشیم؛ مشروط بر آن‌که از خود شهامت نشان دهیم. این شرط برای تحقق آن هدف ضروری است. نباید باور کنیم که دولت حزبی به اراده خود تغییر ماهیت خواهد داد.

به یاد بیاورید که در ۱۶ اکتبر ۱۹۵۶، درست همان روزی که لازلو رایک^۱ بازتدفین شد، روزنامه ارگان رسمی حزب در سرخط خود نوشت: «هرگز، دیگر هرگز!» هنوز سه هفته نگذشته بود که حزب سوسیالیست کارگران مجارستان به نیروهای امنیتی دستور داد به سوی مردم بی‌دفاع شلیک کنند و آن‌ها را بکشند. هنوز دو سال از آن تاریخ نگذشته بود که حزب سوسیالیست کارگران مجارستان صدها تن از مردم بی‌گناه، حتی از اعضای حزب، را به اتهامات واهی محکوم به مرگ کرد. ما هرگز قول‌های توخالی رهبران حزب کمونیست را نخواهیم پذیرفت. هدف ما این است که دیگر هرگز به حزب حاکم اجازه ندهیم علیه ما اعمال زور کند. این تنها راهی است که با توسل به آن می‌توانیم جلوی بازگشت تابوت‌های بیش‌تر و جلوی خاکسپاری‌های بیش‌تر، مثل آنچه امروز در جریان است، را بگیریم. ایمر ناگی، میکولوس گریم^۲،

۱- László Rajk (۱۹۰۹ - ۱۹۴۹) سیاستمدار کمونیست مجار که وزیر کشور و وزیر خارجه مجارستان بود و نقش مهمی در تشکیلات حزب کمونیست این کشور داشت ولی قربانی دادگاه‌های نمایشی ماتياس راکوسی شد.

۲- Miklós Gimes (۱۹۱۷ - ۱۹۵۸) روزنامه‌نگار و سیاستمدار مجار که به دلیل نقشی که در انقلاب ۱۹۵۶ ایفا کرد شناخته شده است. او همراه با ایمر ناگی و پال مالتز در سال ۱۹۵۸ به اتهام خیانت اعدام شد، اما در سال ۱۹۸۹ از او اعاده حیثیت شد.

گیزا لوسونزی^{۱۲}، پال مالتر^{۱۳} و ژوزف ژیلایگی^{۱۴} جان خود را در راه استقلال و آزادی مجارستان از دست دادند. جوانان مجارستان هنوز به این ارزش‌ها پایبندند و به آن‌ها ارج می‌گذارند. ما در مقابل شما و به یاد خاطره شما سر تعظیم فرود می‌آوریم.

روان تان شاد و یادتان همواره زنده باد!

۱۲- Géza Losonczy (۱۹۱۷ - ۱۹۵۷) روزنامه‌نگار و سیاستمدار مجار که از اعضای جناح اصلاح‌طلب حزب کمونیست مجارستان بود. او در انقلاب ۱۹۵۶ با ایمر ناگی همراه شد و در مقام وزیر مطبوعات و تبلیغات با او همکاری کرد. لوسونزی که به دنبال یورش ارتش شوروی به بوداپست به سفارت یوگسلاوی پناهنده شد بعداً بازداشت و زندانی شد. در زمانی که برای برگزاری دادگاه انتظار می‌کشید دست به اعتصاب غذا زد ولی به دلیل بی‌احتیاطی زندانبانان، که به زور تلاش کردند به او غذا بدهند، در زندان و قبل از محاکمه درگذشت.

۱۳- Paul Maléter (۱۹۱۷ - ۱۹۵۸) رهبر نظامی انقلاب ۱۹۵۶ در مجارستان بود. او تحصیلات خود را در رشته پزشکی آغاز کرد و پس از اتمام تحصیلات پزشکی در دانشگاه پراگ (پایتخت کنونی جمهوری چک) به دانشکده افسری در بوداپست رفت و در جنگ دوم جهانی شرکت کرد. او در جنگ از خود شهامت و دلیری خارق‌العاده‌ای نشان داد. با سرکوب انقلاب همراه با ایمر ناگی و همراهان او زندانی و سپس به اتهام تلاش برای سرگونی جمهوری خلق مجارستان اعدام شد، اما در سال ۱۹۸۹ از او و ایمر ناگی و سایر هم‌زمانش اعاده حیثیت شد.

۱۴- József Szilágyi (۱۹۱۷ - ۱۹۵۸) شخصیت نظامی و وکیل مجار که از همراهان کادر رهبری انقلاب ۱۹۵۶ مجارستان بود. او در ارتباط با فعالیت‌هایش در انقلاب و جنگ‌های استقلال‌طلبانه بازداشت و طی محاکمه‌ای محکوم به مرگ و سپس اعدام شد. پیکر او همراه با ایمر ناگی و سایر هم‌زمانش در سال ۱۹۸۹ طی مراسمی باشکوه دوباره به خاک سپرده شد.



تصویر یکی از تظاهرات‌های حزب دموکراتیک مجارستان در بهار ۱۹۹۰. مردم مجارستان با غرور پرچم ملی این کشور را برافراشته‌اند، در حالی که علامت داس و چکش را از روی آن برداشته‌اند. از داس و چکش روی پرچم، سوراخی بیش باقی نمانده است.

